

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۹

عدالت اصحاب

۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۷

۱ جمادی الاول ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله  
على أعدائهم أجمعين » .

### مقدمه؛

در سلسله مباحث گذشته بیان کردیم که علماء و متکلمین اهل سنت بر این نظراند که تمامی اصحاب رسول الله ﷺ واجد صفت عدالت هستند. آنان تمامی صحابه رسول الله ﷺ را عادل می‌دانند و برای اثبات ادعای خود به آیاتی از قرآن کریم استناد و تمسک می‌کنند. در جلسات گذشته به تفسیر عمده‌ترین و اصلی‌ترین آیاتی که اهل سنت به آنها استناد می‌کنند - دوازده آیه - پرداختیم و آنها را مورد دقت و تأمل قرار دادیم. بررسی این آیات دوازده گانه ما را به این نتیجه قطعی و یقینی رساند که هیچ یک از آیات مورد استناد، ادعای آنان مبنی بر عدالت تمامی صحابه را ثابت نمی‌کند. آنان به آیاتی دیگر از قرآن کریم نیز استناد می‌کنند که کم و بیش همانند آیات مورد بررسی هستند و قاصر از اثبات ادعای آنان می‌باشند. به دلیل اینکه بررسی آیات دیگر جنبه فنی و علمی دارد و

خارج از حوصله این نوشتار می‌باشد، از پرداختن به آنها صرف نظر می‌کنیم.

### استناد به سنت؛

پس از بررسی و نقد استدلال اهل سنت به قرآن مجید، منبع دیگری که مورد استناد آنها قرار گرفته است را طرح می‌کنیم.

نظریه پردازان عدالت تمامی صحابه برای اثبات نظر خود به سنت رسول الله ﷺ نیز استناد می‌کنند. «سنت» در اصطلاح عبارت است از فعل و قول پیامبر ﷺ یا عملی که در حضور پیامبر ﷺ انجام شود و ایشان آن را تأیید کنند<sup>(۱)</sup>. به طور خلاصه سنت پیامبر ﷺ یا معصومین عليهم السلام در سه مورد خلاصه می‌شود؛

۱ - سخن و اقوال آنان؛

۲ - رفتار، افعال و روش آنان؛

۳ - تقریر و تأیید آنان در مورد فعل و قول دیگران.

در این قسمت از بحث سنت، بیشتر به سخنان پیامبر ﷺ می‌پردازیم و روایاتی از رسول الله ﷺ را مورد بررسی قرار می‌دهیم که اهل سنت برای اثبات ادعای خود به آن استناد می‌کنند.

۱- فرائد الاصول، جلد ۱ صفحه ۲۳۸، از منابع اهل سنت، اضواء علی السنة المحمدية ﷺ، صفحه ۳۹.

اهل سنت برای اثبات ادّعی خود اقوال و روایاتی را به رسول الله ﷺ منتسب می‌کنند. در مرحله نخست لازم است اعتبار و ارزش سخنان نسبت داده شده مورد بررسی و دقت قرار گیرد. برای ورود به بحث احادیث مورد ادّعی اهل سنت ذکر مقدمه زیر خالی از لطف نیست. علمای علم حدیث برای نقدی و صرافی روایات از دو روش بهره می‌جویند؛

۱ - بررسی سند روایت؛ یعنی باید اطمینان حاصل نمود که رسول الله ﷺ چنین سخنی را بیان کرده‌اند، برای این کار باید سند و سلسله راویانی که روایت را از رسول الله ﷺ نقل می‌کنند مورد بررسی قرار گیرد.

۲ - بررسی محتوی و مضمون روایت؛

در این روش، دلالت روایت مورد تأمل قرار می‌گیرد و بررسی می‌شود که آیا این روایت مدّعی مورد نظر را ثابت می‌کند یا خیر؟ بنابر این برای بررسی روایت اهل سنت در رابطه با عدالت تمامی صحابه باید به دو نکته رسیدگی نمود:

۱ - بررسی سند روایت؛ ۲ - بررسی محتوی و دلالت روایت.

### صحابه چون ستارگان؛

نخستین روایتی که عموم استدلال کنندگان و اکثر نظریه پردازان عدالت تمامی صحابه به آن استناد می‌کنند و آن را به عنوان اصل مسلم می‌پذیرند، روایتی از رسول الله ﷺ می‌باشد. بنابر روایت آنان رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

« أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم » .

اصحاب من همانند ستارگان هستند، از هر کدام که پیروی کنید، هدایت می شوید .

بر اساس روایت فوق، رسول الله ﷺ اصحاب خود را همانند ستارگانی معرفی می نمایند که در دل تاریک شب می درخشند و راه را به گم شدگان نشان می دهند؛ بنابر این پیروی هر یک از اصحاب برای ما هدایت و سعادت به ارمغان می آورد. کیفیت استدلال آنان بدین قرار است که پیروی از انسانهای فاسق، گناهکار و منحرف، موجب رستگاری اخروی نمی گردد از طرف دیگر بنابر فرمایش رسول الله ﷺ پیروی از صحابه مستلزم هدایت و راه یابی ما می باشد؛ در نتیجه تمام صحابه و همه کسانی که شایسته پیروی هستند انسانهای عادل، صالح و سالم می باشند .

### بررسی سند روایت؛

همانطور که بیان نمودیم، برای بررسی صحت و سقم روایت فوق، نخست باید سند روایت را مورد بررسی قرار دهیم و از صحت انتساب آن به رسول الله ﷺ مطمئن گردیم. حال سؤال این است که چگونه می توان به صدور روایتی اطمینان حاصل نمود که در حدود ۱۴۰۰ سال پیش بیان شده است؟ امروزه با تمام پیشرفت و توسعه وسایل ارتباط جمعی، یک سخن پس از

ایراد به صورتهای مختلفی گزارش می‌شود که گاهی با اصل آن تفاوت اساسی پیدا کرده و گوینده مجبور به تکذیب سخن خواهد شد. حال چه تضمینی وجود دارد که این کلمات عیناً و بدون هیچ کم و کاستی از لبان مبارک رسول الله ﷺ بیرون آمده و به ما رسیده باشد؟

برای اینکه به چنین وثوق و یقینی دست یابیم که گوینده روایت فوق رسول الله ﷺ می‌باشند باید سلسله و سند روایت مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر، سلسله رجال روایت، از شخصی که ادعا می‌کند این روایت را از زبان رسول الله ﷺ شنیده است تا آخرین فردی که در سلسله حدیث قرار دارد باید مورد دقت و ارزیابی قرار گیرد. همچنین با مراجعه به منابع معتبر باید وجود خارجی آنان و صادق یا کاذب بودن اخبارشان را مورد رسیدگی قرار دهیم.

در بررسی سند روایت فوق مهمترین مطلبی که به آن برخورد می‌کنیم «مرفوعه» بودن این روایت است. توضیح بیشتر آنکه هر روایتی که از پیامبر ﷺ یا از امام معصوم علیه السلام نقل می‌شود باید سلسله رجال آن کامل باشد و در میان این حلقه گسستگی و پارگی وجود نداشته باشد. به عنوان مثال، اگر شیخ صدوق رحمته الله علیه روایتی را با سندی خاص از امام علیه السلام ذکر نماید اما در سند مذکور آخرین شخص بگوید من این روایت را مستقیماً و بدون واسطه از امام علیه السلام شنیدم، و واسطه‌ای که نمی‌دانم چه کسی است حدیث را از امام علیه السلام شنیده است و او این روایت را به امام علیه السلام منتسب می‌کند حدیث به اصطلاح علماء رجال مرفوعه

می‌شود که خود عامل ضعف حدیث و کاهش درجه اعتبار روایت است. حال حدیث مورد بحث نیز چنین است، یعنی تمام کسانی که روایت «أصحابي كالنجوم...» را نقل کرده‌اند، بر این نظر اتفاق دارند که این روایت مرفوعه است. آخرین فردی که این روایت را از پیامبر ﷺ نقل می‌کند، می‌گوید: من بدون واسطه این سخن را از رسول الله ﷺ شنیدم و معلوم نیست که چه کسی آن را بدون واسطه شنیده است. خلاصه سخن آنکه روایت مورد استشهاد اهل سنت مرفوعه است. چنین روایاتی ارزش و اعتباری ندارند و نمی‌توان بر طبق آنها فتوا داد.

### داستانی از ابو ریّه؛

«شیخ محمود ابو ریّه» از دانشمندان معاصر، زحمت کش و منصف اهل سنت است. دو کتاب مهم او عبارت است از:

۱ - شیخ المضیره أبو هریره<sup>(۱)</sup>؛ ۲ - أضواء علی السنة المحمدیة ﷺ.

ابو ریّه در کتاب «شیخ المضیره ابو هریره» در رابطه با حدیث مورد استشهاد اهل سنت واقعه‌ای را نقل می‌کند. ابو ریّه می‌نویسد: در رابطه با حدیث «أصحابي كالنجوم...» میان من و محبّ الدین الخطیب که از علمای ناصبی است گفتگویی روی داد. هنگامی که کتاب الاضواء علی السنة المحمدیة ﷺ

۱ - مضیره، غذای چرب و شیرینی است که عربها میل می‌کنند، ابو هریره این غذا را فوق العاده دوست می‌داشت.



منتشر شد، محبّ الدین فصل عدالت صحابه آن را خواند و با من برخوردی تند کرد و گفت: چگونه چنین مطالبی را به صحابه نسبت می‌دهی، پس از آنکه رسول الله ﷺ درباره آنان می‌فرماید: اصحابم مانند ستارگان هستند...؟ در پاسخ به او گفتم شما ذیل این روایت در تعلیقات<sup>(۱)</sup> خود بر کتاب ذهبی به نام المنتقی صفحه ۷۱ نوشته‌ای: «این حدیث صحیح است و بسیاری آن را مورد طعن و خدشه قرار داده‌اند. و از بزرگانی که آن را مورد طعن قرار داده است، ابن تیمیّه<sup>(۲)</sup> می‌باشد.».

محبّ الدین از پاسخ من بسیار عصبانی شد و گفت: «در کجا چنین چیزی نقل کرده‌ام؟» در پاسخ گفتم: «در کتاب المنتقی.» وی در حالی که از شدت عصبانیت قادر بر کنترل خود نبود گفت: «در چه صفحه‌ای؟» به او گفتم: «در صفحه ۵۵۱، نوشته‌ای ابن تیمیّه نقل می‌کند که این حدیث ضعیف است و بزرگان علم حدیث آن را تضعیف کرده‌اند، لذا اعتباری ندارد.» محبّ الدین سخنان خود را که در کتاب المنتقی نوشته و آن را منتشر کرده بود می‌خواند و

۱- اهل سنت حتی کتابهای بی ارزش که بار علمی و فنی چندانی نداشته باشند را، بسیار زیبا و دل پسند و با تحقیق به زیور طبع می‌آرایند، اما متأسفانه بسیاری از کتب با ارزش علمای شیعه به صورت خطی در گوشه کتابخانه‌ها متروک شده است و غبار می‌خورد.

۲- ابن تیمیّه از دانشمندان بزرگ ناصبی است، او نسبت به صحابه بسیار متعصب می‌باشد و عناد و دشمنی ویژه‌ای با اهل بیت علیهم‌السلام دارد. این عالم اهل سنت تعصب خاصی علیه اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان دارد. حال اگر این شخصیت حدیثی را که اهل سنت با استناد به آن قصد دارند صحابه را تطهیر کنند زیر سؤال ببرد تکلیف حدیث و استدلال ناخوانده روشن است.

تکرار می‌کرد در حالی که مبهوت و زرد روی بود. من پیش از آنکه او را ترک گویم به او گفتم: «کتاب المنتقی، این نادانی و برجسب را تا روز قیامت برای تو ثبت می‌کند»<sup>(۱)</sup>.

### تحقیق میرحامد حسین رحمته الله علیه؛

بحث و تحقیق در رابطه با سند روایت و رسیدگی به تک تک افرادی که در سلسله روایت واقع شده‌اند خارج از حوصله بحث حاضر می‌باشد. مرحوم میرحامد حسین هندی رحمته الله علیه<sup>(۲)</sup> در زمینه سند روایت «أصحابي كالنجوم...» تحقیق درخور ستایشی انجام داده است. وی در کتاب شریف و گران سنگ «عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ»

۱- شیخ المضیرة أبو هريرة، صفحة ۲۰۰. برای کسانی که با زبان عربی آشنا هستند اصل واقعه را از آن کتاب نقل می‌کنیم. «ولهذا الحديث قصة جرت بيني وبين الناصبي محب الدين الخطيب، فإنه عندما ظهر كتابي «الأضواء» وأطلع فيه على فصل عدالة الصحابة قابلني غاضباً وقال: كيف تذكر ذلك بعد أن قال فيهم النبي ﷺ أصحابي كالنجوم... فقلت له إنك قد أردت هذا الحديث في تعليقاتك على كتاب المنتقى للذهبي، ص ۷۱ على أنه صحيح وقد طعنوا فيه ومن كبار الطاعين ابن تيمية فاشتد غضبه وقال: في أي موضع هذا الطعن؟ فقلت له في نفس كتابك المنتقى فكاد يتمييز من الغيظ وقال في أية صفحة؟ فقلت له في صفحة ۵۵۱ وفيها يقول ابن تيمية: وحديث أصحابي كالنجوم ضعفه أئمة الحديث فلا حجة فيه. وما كاد يقرأ هذا الكلام الذي أثبتته هو بنفسه في كتاب حقه ونشره بين الناس حتى بهت واصفر وجهه وقد قلت له قبل أن اغادر مجلسه أن كتاب المنتقى هذا سيسجل عليك هذا الجهل وهذه الوصمة إلى يوم القيامة».

۲- مرحوم میرحامد حسین هندی از علمای به نام و زحمت کشی است که با سختی در هند روزگار می‌گذرانند، ایشان تألیفات فراوانی به زبان عربی و اردو در زمینه اثبات خلافت بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام دارد، اما متأسفانه تا کنون کتابهای ایشان به فارسی ترجمه نشده است.

۳۴ نفر از علمای اهل سنت را با ذکر مشخصات نام برده است که صحت روایت «أصحابي كالنجوم...» را قبول ندارند و از لحاظ سندی آن را ضعیف و قابل خدشه و مناقشه می‌دانند<sup>(۱)</sup>. ما به عنوان نمونه به برخی از علمای اهل سنت که روایت مذکور را نمی‌پذیرند اشاره می‌نماییم. ابن تیمیّه در کتاب منهج السنّة می‌نویسد:

« هذا الحديث ضعيف ، ضعفه أئمة الحديث »<sup>(۲)</sup>.

این حدیث ضعیف است، علمای علم حدیث آن را تضعیف می‌کنند.

بزار - یکی از علمای رجال اهل سنت - می‌نویسد:

« هذا الكلام لا يصح عن النبي ﷺ »<sup>(۳)</sup>.

رسول الله ﷺ این سخن را بیان نکرده‌اند.

بخاری در کتاب صحیح خود حدود نه هزار روایت صحیح و مورد اعتماد جمع آوری کرده است و مسلم نیز در کتاب صحیح خود حدود هفت هزار روایت نقل کرده است، اما در هیچ یک از این دو منبع مهم، روایت «أصحابي كالنجوم...» ذکر نشده است. عدم نقل این روایت به روشنی بیانگر این مطلب است که محدثین معتبر اهل سنت به صحت آن وثوق و اطمینان ندارند. همچنین ذهبی که از نقادین علم رجال و حدیث اهل سنت است در سه موضع از کتاب خود به نام

۱- عباة الأنوار، جلد ۳ صفحات ۱۶۸-۱۲۳.

۲- منهج السنّة، جلد ۴ صفحه ۲۳۹ والمنتقى، صفحه ۵۵۱.

۳- جامع بیان العلم، جلد ۲ صفحه ۹۰.

میزان الاعتدال، روایت مورد بحث را تضعیف کرده است<sup>(۱)</sup>. او با امیرالمؤمنین علیه السلام دشمنی و کینه خاصی دارد و از هیچ تلاشی برای تضعیف روایاتی که در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شده است، فروگذار نکرده است.

ابن حزم یکی دیگر از علمای رجال اهل سنت می‌گوید:

« هذا خبر مكذوب موضوع باطل لم یصح قط »<sup>(۲)</sup>.

این روایت دروغ و نسبت داده شده است و به هیچ وجه درست نمی‌باشد.

دار قطنی در مورد سند روایت می‌نویسد:

« رواته مجهولون »<sup>(۳)</sup>.

راویان حدیث نا شناخته‌اند.

ابن قیّم یکی از بزرگان حدیث اهل سنت نیز می‌گوید:

« هذا الكلام لا یصح عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم »<sup>(۴)</sup>.

سند چنین سخنی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نا صواب است.

یکی از راویان حدیث مورد نظر « عبدالرحیم ابن زید » می‌باشد. بخاری او

را تضعیف کرده است و درباره او می‌گوید:

- 
- ۱- میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۴۱۳، جلد ۲ صفحه ۱۰۲ و ۶۰۵.
  - ۲- فواتح الرحموت، جلد ۲ صفحه ۵۱۰ و البحر المحيط، جلد ۵ صفحه ۵۲۸.
  - ۳- لسان المیزان، جلد ۲ صفحه ۱۲۷.
  - ۴- إعلام الموقعین، جلد ۲ صفحه ۲۲۳.

« متروك »<sup>(۱)</sup>.

روایات عبدالرحیم متروک است.

یکی دیگر از راویان حدیث « حمزة الجزری » است. او نیز مورد تضعیف علمای اهل سنت قرار گرفته است. نسایی<sup>(۲)</sup>، بخاری<sup>(۳)</sup> و دار قطنی<sup>(۴)</sup> او را تضعیف می‌کنند. ابن معین درباره او می‌گوید:

« لا یساوی فلساً »<sup>(۵)</sup>.

روایات حمزة پیشیزی نمی‌ارزد.

ابن عدی می‌گوید:

« عامّة روایاته موضوعة »<sup>(۶)</sup>.

تمام روایات حمزه دروغ است.

از مجموع مطالب فوق این نتیجه به راحتی به دست می‌آید که روایت منسوب به رسول الله ﷺ از نظر اعتبار و صحت سند، نزد اهل سنت قابل اعتماد و اطمینان نمی‌باشد. اما نکته جالب اینکه بر خلاف محدثین معتبر عامه، علمای کلام اهل سنت، این روایت را به عنوان روایتی مسلم و قطعی پذیرفته‌اند

۱- البحر المحيط، جلد ۵ صفحه ۵۲۷ و ارشاد الفحول، صفحه ۸۲.

۲- الضعفاء للنسائي، صفحه ۳۲.

۳- الضعفاء للبخاری، صفحه ۳۶.

۴- میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۶۰۶.

۵- الموضوعات، جلد ۳ صفحه ۳۴ و میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۶۰۶.

۶- میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۶۰۶.

و برای اثبات عدالت صحابه به آن استناد می‌کنند.

اکنون که روشن شد روایت فوق علاوه بر اینکه به لحاظ سندی مرفوعه می‌باشد، در سلسله رجال نیز با مشکل مواجه است لذا از دو جهت فاقد ارزش و اعتبار است، از بحث در خصوص سند به همین مقدار بسنده می‌کنیم تا ببینیم آیا روایت مذکور به لحاظ دلالت تمام هست یا خیر؟

### بررسی دلالت روایت؛

همانطور که بیان کردیم علاوه بر بررسی سند باید دلالت روایت را نیز مورد رسیدگی قرار داد. در این قسمت نیز مناسب است به سخنان علمای اهل سنت استناد نماییم. برخی از علمای عامه در دلالت روایت نیز تشکیک کرده‌اند و بر این نظرند که نمی‌توان از تمام صحابه رسول الله ﷺ پیروی نمود و همه آنان دارای چنین شایستگی و لیاقتی نمی‌باشند. به عنوان نمونه ابن حزم در کتاب «الأحكام» چنین نظری دارد و برای اثبات عقیده خود به آیاتی از قرآن کریم استناد نموده است. استدلال وی این گونه می‌باشد: می‌دانیم که خداوند متعال تمام سخنان پیامبر ﷺ را وحی و بر حق می‌داند و می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾<sup>(۱)</sup>.

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید \* آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

۱- سورة نجم، آیات ۴-۳.

و نیز می‌دانیم که در قرآن کریم هیچ اختلاف و تناقضی وجود ندارد.

﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾<sup>(۱)</sup>.

آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.

همچنین خداوند متعال دستور می‌دهد که از پیامبر ﷺ اطاعت نماییم:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا عُقَابَكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

و فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع و کشمکش نکنید، که سست شوید و قدرت شما از میان برود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.

وی سپس استدلال خود را این‌گونه سامان می‌دهد که از یک سو در قرآن

کریم هیچ تناقض و تعارضی وجود ندارد و از سوی دیگر، سخن پیامبر ﷺ همانند وحی است و در آن نیز هیچ اختلاف و تضادی وجود ندارد. و از سوی سوم خداوند متعال به مسلمانان دستور داده است که از پیامبر ﷺ پیروی کنند؛ بنابراین این محال است که پیامبر ﷺ دستور به پیروی از صحابه‌ای بدهد که در تمام

۱- سوره نساء، آیه ۸۲.

۲- سوره انفال، آیه ۴۶.

موارد با هم تعارض دارند. کسی که سخن او سخن خداوند است پیروی از افرادی را تأیید نمی‌کند که با هم اختلاف داشته باشند<sup>(۱)</sup>.

صحابه در بسیاری از امور و احکام شرعی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. پیروی از کلام کدام یک از آنان موجب هدایت و سعادت می‌گردد؟ آیا صحابه‌ای که با یکدیگر اختلاف عقیده دارند، می‌توانند همگی عادل و نیک نظر باشند و ما را به راه راست راهنمایی کنند؟

برخی از صحابه در زمان حیات رسول الله ﷺ با هم اختلاف نظر داشتند. در این موارد پیامبر ﷺ هر دو گروه را تأیید نمی‌کردند. لذا پس از وفات پیامبر ﷺ ما نمی‌توانیم هر دو گروه را تأیید کنیم<sup>(۲)</sup>.

### اختلاف نظر در میان صحابه؛

اکنون که دانستیم پیروی از صحابه به نحو مطلق به جهت تعارضات و تناقضاتی که با هم دارند امکان ندارد و عاقلانه نیست، جا دارد که به برخی از اختلاف نظرهایی که در میان صحابه وجود دارد اشاره نماییم و از نظریه پردازان عدالت تمامی صحابه بپرسیم پیروی از کدام یک موجب هدایت است؟ به راستی آیا عقل سلیم می‌پذیرد، پیروی از هر دو نظری که با هم در تعارض اند اشکال نداشته باشد؟!

۱- الاحکام، جلد ۶ صفحه ۸۱۰.

۲- الاحکام، جلد ۶ صفحه ۸۱۱.



۱ - بسیاری از صحابه بر این نظراند که خرید و فروش خمر حرام است ولی « سمره ابن جندب » که از صحابه می‌باشد، معامله خمر را حلال می‌داند<sup>(۱)</sup>.

۲ - در مورد غسل پس از عمل زنا شویی که منجر به خروج منی نگردد صحابه اختلاف نظر داشتند.

« ترك الغسل من الاكسال واجباً اقتداء بعليّ و عثمان و طلحة و أبي أيوب و ابیّ ابن كعب و حراماً اقتداء بعائشة و ابن عمر »<sup>(۲)</sup>.

ترک غسل پس از عمل زنا شویی به شرط اینکه منی خارج نگردد واجب است بنا به نظر علی رضی الله عنه، عثمان، طلحه و ابو ایوب و ابی ابن کعب و حرام است بنا به نظر عایشه و فرزند عمر.

۳ - « فتیای ابی السنابل ، لسبیعة ، بأنّ علیها فی العدة آخر الأجلین فأنکر رضی الله عنه ذلك وأخبر أنّ فتیاه باطل »<sup>(۳)</sup>.

در فتوایی، ابن سنابل به سبیعة گفت: پایان عدّه دورترین زمان است، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر او ایراد گرفتند، پس ابن سنابل نادرستی فتوای خود را اعلام کرد.

۴ - طلحه در حضور عمر، معامله نسبه طالا با نقره را جایز می‌داند، امّا

عمر این کار را حرام می‌داند و می‌گوید:

« إنّ النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم حرّم ذلك »<sup>(۴)</sup>.

۱- الأحكام، جلد ۶ صفحه ۸۱۱.

۲ و ۳ و ۴- همان.

پیامبر ﷺ چنین معامله‌ای را تحریم کردند.

۵ - سمره ابن جندب بر خلاف نظر تمام صحابه بر این عقیده است که زنان باید نمازهایی که در ایام عادت ماهیانه خود نخوانده‌اند را قضاء کنند<sup>(۱)</sup>.

۶ - عمر بر خلاف صحابه بر این نظر است که:

«المجنب في السفر ألا يصلّي شهراً بالتيمم ولكن يترك الصلاة حتى يجد الماء»<sup>(۲)</sup>.

انسان جنب در سفر نباید یک ماه نماز را با تیمم بخواند، او تا یافتن آب می‌تواند نماز نخواند.

اهل سنت با این فضاخت در فتاوی و بضاعت اندک، چگونه می‌خواهند در محافل علمی عرض اندام کنند؟ ابن قیم می‌گوید: «لازمة پذیرش روایت «أصحابي كالنجوم...» این است که شارع مقدس ما را مأمور و ملزم کرده باشد که از دو ضد و نقیض پیروی کنیم!».

ما همچنان منتظر پاسخ علمای اهل سنت هستیم؛ آیا معامله خمر حلال است یا خیر؟ معامله نسیه طلا با نقره جایز است یا نه؟ جنب در سفر نماز بخواند یا نخواند؟ پیروی کدام یک از صحابه صحیح می‌باشد؟ ناگزیر باید یک حکم صحیح باشد و دیگری باطل. آیا می‌توان قائل به صحت دو حکم متعارض شد؟!

۱- الأحكام، جلد ۶ صفحه ۸۱۱.

۲- همان.

## دوری از خاندان وحی ﷺ؛

کشف و اصلاح تعارض بین قوانین از وظایف مهمّ مجالس قانون گذاری است. اهل سنّت چگونه می‌خواهند تعارض موجود در بین صحابه را توجیه کنند؟ ولی ما راه را برای اهل سنّت کوتاه می‌کنیم تا یک بار دیگر حجت بر آنها تمام شود. آنچه امروزه گلوی اهل سنّت را در مناظره‌ها می‌فشارد و مبانی فکری آنان را در آستانه خفگی قرار داده است دوری از خزّان علم پیامبر ﷺ است.

آری، معضل اهل سنّت گسست از سر چشمهٔ وحی می‌باشد. اگر معارف و احکام را از سر چشمهٔ وحی بگیریم در آن هیچ تضادی نخواهیم یافت. انحراف، گمراهی و در نتیجه رسوایی علمی هنگامی روی می‌دهد که از سر چشمه روی برگردانیم و بخواهیم با تکیه بر دانسته‌های خود فتوا و حکم دهیم.

برخی از اهل سنّت چون نتوانستند تعارض میان فتاوی صحابه را حلّ و چاره جویی کنند، ناچار روایت منسوب به رسول الله ﷺ را تأویل کردند و گفتند: پیروی از هر فتوا و حکمی مدّ نظر نمی‌باشد بلکه منظور از اقتداء و پیروی، پذیرفتن روایاتی است که صحابه نقل کرده‌اند و پیمودن روشی است که آنان طیّ کرده‌اند. در پاسخ به آنان بیان می‌کنیم که مهم نیست در چه موضوعی از صحابه پیروی کنیم - فتوا، روایت یا روش - بلکه مهم آن است که صحابه دارای اختلافات فراوانی با یکدیگر بودند، لذا نمی‌توان همهٔ آنان را صائب و بر حق دانست.

## پرسشهایی از اهل سنت؛

اهل سنت بر این نظراند که صحابه رسول الله ﷺ همه خوب، عادل و صالح می‌باشند، از آنان می‌پرسیم:

گروهی از صحابه، خانه عثمان را محاصره کردند و کمر به قتل او بستند، گروهی دیگر نیز به دفاع از عثمان برخاستند و گروهی از صحابه نیز سکوت اختیار کردند. آیا عقل سلیم می‌پذیرد که هر سه گروه صائب و درستکار باشند؟! آیا می‌توان پذیرفت قاتلین عثمان و حامیان او - عثمان و پیروانش - بر حق باشند؟

پرسش دیگر ما این است که، مگر نه آنکه عثمان از صحابه بود، چرا او را بیرون از بقیع به خاک سپردید؟ چرا او را به یهودی بودن متهم می‌کنید<sup>(۱)</sup>؟ اگر دو طرف یک تناقض بر حق باشند در نتیجه نباید هیچ خطا کار و گناه کاری یافت شود و این به بداهت عقلی محال است؛ زیرا هیچ گاه نور و ظلمت با هم جمع نمی‌شوند.

تنها پرسشی که باقی می‌ماند این است که راه صحیح کدام است و چگونه باید آن را شناخت؟ در فتنه و حوادث باید چه کرد؟

۱- بحار الانوار، جلد ۳۱ صفحه ۲۹۶، از منابع اهل سنت بنگرید به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۲۱۵، الکامل فی التاریخ، جلد ۳ صفحه ۲۰۶ الامامة والسیاسة، جلد ۱ صفحه ۵۱.

طلحه، زبیر و عایشه که همسر پیامبر ﷺ می‌باشد و مقامی بالاتر و والاتر از صحابه دارد با امیرالمؤمنین علیه السلام به جنگ برخاستند. کدام یک بر حق می‌باشند؟ آیا طرفین جنگ بر حق می‌باشند؟! در میدان جنگ شخصی مہار اسب امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفت و پرسید:

«أيمكن أن يجتمع الزبير وطلحة وعائشة على باطل؟»<sup>(۱)</sup>.

آیا امکان دارد که طلحه، زبیر و عایشه بر باطل باشند؟

این پرسش از امیرالمؤمنین علیه السلام نشان می‌دهد که تلقی عرف عقلا این است که طرفین جنگ و نزاع نمی‌توانند بر حق باشند.

دو حق با هم تعارض ندارند و بین آنان جنگ و نزاع در نمی‌گیرد. ناچار در هر تعارضی باید یکی بر حق و دیگری باطل باشند، هر چند که ما توان تشخیص نداشته باشیم. در جنگ‌هایی چون جمل، صفین و نهروان که بین دو گروه از صحابه روی داد، آیا هر دو گروه بر حق می‌باشند؟ «مالک ابن نویره» از صحابه پیامبر ﷺ بود، و نباید او را به قتل می‌رساندند هر چند که حاضر به بیعت نشد و از پرداخت زکات سر باز زد<sup>(۲)</sup>.

اگر حدیث «أصحابي كالنجوم...» را بپذیریم، فتنه و آشوب اجتماع را فرا می‌گیرد و توان اداره جامعه از دست می‌رود. در یک کلام، به هیچ وجه نمی‌توان

۱- بحار الانوار، جلد ۲۲ صفحه ۱۰۵، از منابع اهل سنت بنگرید به فیض القدير، جلد ۱ صفحه ۲۷۲.

۲- البداية والنهاية، جلد ۶ صفحه ۳۵۴.

به این روایت استناد کرد. در مورد سند و دلالت این روایت مطالب فراوان دیگری وجود دارد، اما به همین مقدار بسنده و اکتفاء می‌کنیم.

« والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

## خودآزمایی؛

- ① منظور از سنت رسول الله ﷺ چیست؟ آن را تعریف کنید.
- ② روایات را چگونه صرافی و نقادی می‌کنند؟
- ③ مهمترین روایت مورد استناد اهل سنت برای اثبات عدالت صحابه چیست؟
- ④ روایت مرفوعه یعنی چه؟ آیا چنین روایاتی دارای اعتبار است؟
- ⑤ نظر بزرگان اهل سنت در مورد روایت «أصحابي كالنجوم...» چیست؟
- ⑥ عدم ذکر روایت «أصحابي كالنجوم...» در کتب معتبر اهل سنت بیانگر چه موضوعی است؟
- ⑦ دو نفر از کسانی که در سلسله رجال روایت «أصحابي كالنجوم...» هستند را نام ببرید و نظر علمای اهل سنت در مورد آن دو را بیان کنید.
- ⑧ با آیات قرآن کریم روایت «أصحابي كالنجوم...» را نقد کنید.
- ⑨ آیا صحابه در احکام شرعی با هم اختلاف نظر داشتند؟
- ⑩ ریشه انحراف اهل سنت به چه مسأله‌ای باز می‌گردد؟

وی سپس استدلال خود را این گونه  
سامان می‌دهد که از یک سو در قرآن کریم  
هیچ تناقض و تعارضی وجود ندارد و از سوی  
دیگر، سخن پیامبر ﷺ همانند وحی  
است و در آن نیز هیچ اختلاف و تضادی  
وجود ندارد. و از سوی سوم خداوند متعال  
به مسلمانان دستور داده است که از  
پیامبر ﷺ پیروی کنند؛ بنابراین این محال  
است که پیامبر ﷺ دستور به پیروی از  
صحابه‌ای بدهد که در تمام موارد با هم  
تعارض دارند. کسی که سخن او سخن  
خداوند است پیروی از افرادی را تأیید  
نمی‌کند که با هم اختلاف داشته باشند.

(صفحه ۱۵ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.

■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.

■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن  
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ شماره: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)